

کدام (علم) اقتصاد؟

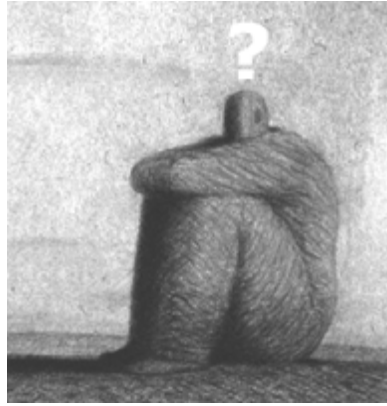
فریدون رستمی *

همچون ریکاردو (David Ricardo)، مارشال (Alfred Marshall)، مارکس (Karl Marx Friedrich)، شومپتر (Joseph Alois Schumpeter)، هایک (August Von Hayek)، کینز (John Maynard Keynes)، فریدمن (Milton Friedman)، و انبوهی از دانشمندان برجسته و موثر دیگر و همگام با انقلاب صنعتی تکامل یافته که نظام کنونی اقتصاد جهانی بر پایه آنها استقرار یافته است. اندیشه های این دسته از دانشمندان را نیز می توان در دو گروه دانست که یک دسته موجب پایه ریزی و گسترش اقتصاد سوسیالیستی و گروه دیگر به بالندگی اقتصاد سرمایه داری انجامید که ترکیبی از این و یا حتی با در بر گیری برخی اجزا اقتصاد اسلامی به عنوان اقتصاد مختلط شناخته شده است که بسته به شرایط اقتصادی و نیازهای هر کشوری از نسبت های گوناگونی از آموزه های هر یک از مکاتب اقتصادی بالا بهره مند شده و در سیاستگذاری اقتصادی از آن استفاده می کنند.

اقتصاد سوسیالیستی در شوروی نمود یافت و از ویژگی های بارز آن عبارت بودند از توزیع منابع به صورت متمرکز، بیکاری پنهان، تورم به صورت صف های طولانی برای کالا و خدمات، جیره بندی، کارایی کم و درآمد سرانه پایین برای بیشتر شهروندان، رشد فناوری و.....

اقتصاد سرمایه داری نیز در دوران اوج موجب انباشت سرمایه، افزایش نابرابری در برخورداری از درآمد و امکانات، افزایش سطح فناوری، افزایش تولید، بهره برداری بیشتر از منابع طبیعی و دامن زدن به دو جنگ جهانی، و در نهایت موجب شکل گیری یک نظام اقتصادی شد که اقتصاد مختلط نام گرفت و هم اکنون با چالش هایی روبروست که گفتگو از نظم نوین اقتصادی در چهارچوب نظم نوین جهانی از آن جمله است.

همه این اندیشه ها در پاسخ به رفع



و مالی را مد نظر داشته و در عمل نیز مورد پذیرش بدنه اصلی تفکر اقتصادی جهان قرار گرفته اند.

بنابراین شاید بتوان مجموعه اندیشه های دو دسته بالا را به عنوان اقتصاد اسلامی، آن هم از نوع اجتماعی دانست که توزیع درآمد و تنظیم روابط اقتصادی از راه گسترش عدالت، قسط، عدل و... اقتصادی از هدف های اصلی آن بوده که مبتنی بر آموزه های دینی است و حداقل در ابتدا نظام پولی/مالی آن مبتنی بر فلزات و سنگ های گران بها و پر ارزش مشخصی بوده که عمدتاً در خلافت های اسلامی در یک یا چند کشور اسلامی تا پایان حکومت عثمانی ادامه داشت.

بنابراین نمونه بارز اقتصاد اسلامی در کشورهای اسلامی در سده های گذشته نمود پیدا کرد و هم اکنون نیز در کشورهای ایران و پاکستان و... در آستانه پیاده سازی است. نظام اقتصادی فوق دارای سه مشخصه بارز است: نظام پولی عمدتاً بر مبنای فلزات گران بها همچون طلا و نقره است، عدالت اجتماعی حداقل بصورت نظری از اهداف اصلی است، و تولید ثروت عمدتاً از راه تجارت و بازرگانی انجام می گیرد.

ب) گروه مبتنی بر تفکر غربی

اندیشه های دانشمندان غربی که توسط فیزیوکرات ها (Physiocrats) در فرانسه طرح شد و توسط آدام اسمیت (Adam Smith) مدون و از سوی دانشمندانی

امروزه گفتگو در زمینه امور اقتصادی نه تنها ضرورت پیدا کرده بلکه ظاهراً به اندازه ای اهمیت یافته که عوام اقتصادی نیز وارد گود شده و در برخی مواقع گوی سبقت را از کارشناسان اقتصادی ربوده و می ربایند. هریک نیز از دید خود و با توجه به خوانده ها و اندوخته های عملی و نظری خود راه حل هایی برای رسیدن به آرمان شهر اقتصادی ارائه می دهند.

گذشته از مد روز بودن سخن گفتن از امور اقتصادی، گروهی نیز در پی کمک به تصمیم سازان اقتصادی هستند منتها از دیدگاه خاصی به آن می نگرند که:

هر کسی از ظن خود شد یار من از درون من نجست اسرار من

راستی با چه ظنی و با چه پشتوانه نظری و کاربردی به ارائه راه حل برای مشکلات اقتصادی می پردازیم؟ پیشینه علم اقتصاد شاید به اندازه تمدن بشری یعنی از آغاز شهرنشینی باشد. ولی این پیشینه به صورت مدون و شناخته شده در کشور ما در دو گروه مبتنی بر تفکر اسلامی و غربی به شرح زیر قابل تفکیک است:

الف) گروه مبتنی بر تفکر اسلامی

۱) نوشته های ابن خلدون در بیش از هزار سال پیش که به باوری مقدمه ای بر آنچه که امروزه اقتصاد سیاسی نامیده می شود، بود و بطور کلی بیشتر بر روابط اقتصادی بین کشورها و مناطق مختلف و همچنین بر استفاده بهتر از منابع، تامین معاش مردم و هدف های همانند دیگری نظر داشت.

۲) نوشته های فقهای اسلامی و دانش آموختگان مسلمان مطلع از نظریه های دانشمندان علم اقتصاد در غرب که پژوهش های گروه اول بیشتر در راستای توزیع بهتر درآمد و ثروت و قانونمندی تجارت و به گونه ای علم اقتصاد اجتماعی است، و گروه دوم که اقتصاددانان پاکستانی تبار بیشتر در آن پیشرو بوده اند و نظریه هایی نیز اعلام کرده اند، بیشتر اقتصاد پولی

صورت کمی می‌سجد تا مشخص شود رفاه مورد نظر در آن دوره و برای آن گروه به چه صورتی بوده است.

این اندیشه‌های اقتصادی به دنبال اندیشه‌های صنعتی به کشور ما نیز راه یافته‌اند. اما کاربرد رسمی این اندیشه‌ها تنها پس از تاسیس دانشگاه تهران و ایجاد مدرسه حقوق و علوم سیاسی در دهه ۱۳۱۰ انجام شد و عمدتاً آنچه که در موسسات آموزش عالی فرانسه تدریس می‌شد، در ایران نیز به دانشجویان آموزش داده می‌شد. در پی آن، نه تنها آموزش (علم) اقتصاد در کشور گسترش یافت بلکه ساختارهای اقتصادی مبتنی بر آن اندیشه‌های عمدتاً غربی نیز در کشور پا گرفت که امروزه با آن آشنا هستیم.^(۲)

در سطح جهانی نیز موسسات اقتصادی بین‌المللی پا گرفتند که صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، بانک‌های منطقه‌ای همچون بانک توسعه آسیایی یا بانک توسعه اسلامی از آن جمله‌اند.

با اینکه اصول اقتصاد مختلط توانست چند دهه پاسخگوی نیازهای اقتصاد بین‌الملل برای رشد و توسعه باشد، ولی نظام سیاسی اقتصادی دو قطبی جهان و بروز جنگ‌های پس از ۱۹۴۵ میلادی بویژه جنگ در ویتنام موجب شکست نظام پولی بین‌الملل و کنار گذاشتن نظام برتن وودز مبتنی بر طلا ابتدا توسط ایالات متحده آمریکا و پس از آن توسط سایر کشورها شد.^(۳)

در آغاز دهه ۱۹۸۰ میلادی برخی کشورهای انگلیسی‌زبان جهان سیاست خصوصی‌سازی، تقویت سازوکار بازار و افزایش رقابت‌پذیری و کاهش نقش دولت در کارهای اقتصادی را پی گرفتند که مورد پذیرش هر چه بیشتر دیگر کشورها قرار گرفته تا جاییکه استقرار نظام اقتصادی رقابتی از اصول پذیرفته شده در سازمان ملل برای هزاره سوم میلادی می‌باشد.

بنابراین نظام اقتصادی جهانی در راستا و مبتنی بر ساز و کار بازار و رقابت‌پذیری است. آیا این نظام مورد پذیرش دولت ایران نیز هست؟

چنانچه حتی دانشجویان اقتصاد نیز می‌دانند، این رشته از دانش در پی استقرار

بشر توانسته است ابزارهایی بسازد که سفر به بیرون از جو زمین ممکن شود، و این ابزارها از چنان توانی بر خوردارند که می‌توانند وضعیت پیرامون خود را در سفرهای فضایی با دقت بالایی گزارش کنند.

موفقیت علوم از جمله علوم پایه و علوم ناب در اندازه‌گیری و پیش‌بینی پدیده‌ها اندیشمندان اقتصاد را بر آن داشت که در راه چندی کردن متغیرهای اقتصادی گام بردارند که اقتصادسنجی در پی آن به عنوان ابزار سنجش این متغیرها جزو درس‌های دانشگاه‌ها درآمد که اندازه‌گیری و پیش‌بینی تورم، بیکاری، تراز پرداخت‌ها، توزیع درآمد، رشد اقتصادی و... میسر شده است و بطور

اقتصاد سوسیالیستی در شوروی نمود یافت و از ویژگی‌های بارز آن عبارت بودند از توزیع منابع به صورت متمرکز، بیکاری پنهان، تورم به صورت صف‌های طولانی برای کالا و خدمات، جیره بندی، کارایی کم و درآمد سرانه پایین برای بیشتر شهروندان، رشد فناوری و ...

کلی "اقتصاد سیاسی" گذشته^(۱) به "علم اقتصاد" تغییر نام داده است که پاسخ به این پرسش‌ها را به اعداد و ارقام تبدیل می‌کند. از اینرو کارشناسان اقتصادی از نرخ تورم، نرخ بیکاری، سهم دهک‌های درآمدی در درآمد، نرخ ارز و غیره گفتگو می‌کنند و برای توضیح وضعیت پدیده‌هایی چونی همانند توزیع درآمد، عدالت اقتصادی و رشد فناوری و ... آن متغیرها را بررسی می‌کنند.

بنابراین امروزه یکی از مشخصه‌های (علم) اقتصاد توانایی آن در بررسی پدیده‌های کیفی و اندازه‌گیری آنها با اعداد و ارقام است. برای نمونه، برای اندازه‌گیری سطح رفاه یک گروه از مردم در یک دوره خاص نرخ تورم و اندازه درآمد آن گروه را به

نیازهای زمان خود بوده‌اند، چنانچه در قرن بیستم میلادی نظریه‌های کینز در پاسخ به نیاز به رفع مشکلات اقتصادی در بین دو جنگ جهانی و بویژه پس از جنگ جهانی دوم بوده است. یا اینکه اندیشه‌های فریدمن عمدتاً در واکنش به پدیده رکود تورمی در آمریکا در دهه ۱۹۷۰ میلادی شکل گرفته بود. همچنین در کشور خودمان اتخاذ سیاست‌های تعدیل، خصوصی‌سازی، و در گذشته نزدیک، سیاست‌های اصل ۴۴ و... در رفع نیازهای زمان خود بوده‌اند.

البته در کشورهای مختلف اصول اقتصاد مختلط با درجه‌ای از تفاوت مورد بهره برداری در عمل قرار گرفته‌اند که خود متاثر از عوامل زمان، مکان و ساختار اقتصادی بوده‌اند.

بنا بر این و بر خلاف نظریه‌های علوم پایه و علوم تجربی که به جهت شرایط محیطی پایدار هستند، کاربرد نظریه‌های اقتصادی با توجه به شرایط حاکم است، یعنی عوامل زمان و مکان؛ چرا که عوامل موثر بر رفتار انسان که علوم انسانی در راستای شناسایی آن می‌باشند، بر حسب زمان و مکان تغییر می‌کنند. بنابراین در تدوین سیاست‌های اقتصادی بر پایه هر یک از نظریه‌های موجود لازم است عوامل زمان و مکان نیز در نظر گرفته شوند.

پس چه سیاست‌هایی را می‌باید مثلاً در مهار تورم در پیش گرفت؟ پشتوانه نظری ما کدامست: نظریه‌های اقتصاد اسلامی، سوسیالیستی، سرمایه‌داری، مختلط؟

گفته شد که نظام اقتصادی کنونی جهان ریشه در اندیشه‌های اقتصادی قرن‌های هژده و نوزده میلادی دارد که به دنبال و همگام با انقلاب صنعتی تدوین شده‌اند.

یکی از مشخصه‌های انقلاب صنعتی افزایش تولید کالاها و خدمات بر پایه گسترش علوم گوناگون بود که دقت در اندازه‌گیری پدیده‌های طبیعی، کشف قوانین طبیعی و اختراع ابزارهای تولید از مشخصات بارز آن می‌باشد که بطور کلی موفقیت آمیز بوده تا جاییکه با استفاده از دانش بشری برخی از قوانین طبیعی و ابزارهای سنجش از چنان دقتی برخوردارند که مثلاً پیش‌بینی وضع آب و هوا ممکن شده است. یا اینکه

ساز و کاری است که بر پایه آن منابع محدود (کمیاب) ^(۴) بصورت بهینه مورد بهره برداری قرار گیرند. به دیگر سخن، علم اقتصاد به دنبال استفاده هر چه بهتر از منابع در دسترس یا دست یافتنی با توجه به عوامل زمان و مکان است. یا باز هم به سخن دیگر، استفاده هر چه بهتر از منابع و افزودن بر نرخ بهره وری. چنانچه هدف علم اقتصاد را به صورت پیش گفته بپذیریم، پرسش بعدی می باید نوع اندیشه اقتصادی و ساز و کار و ساختار اقتصادی را مشخص کند: اقتصاد اسلامی، اقتصاد سوسیالیستی، یا اقتصاد مختلط مبتنی بر بازار؟

بدیهیست پاسخی می باید مورد پذیرش قرار گیرد که بهتر از دو اقتصاد دیگر هم دارای پشتوانه نظری کامل باشد و هم بتواند ساز و کار و ساختار لازم را پیاده کند و کمترین هزینه ملی را به همراه داشته باشد و پاسخگوی همه پرسش ها باشد. به عبارت دیگر، همه اجزای آن می باید دارای اصالت واحد باشند. بصورت روشنتر، نمی توان نظام بانکی را بر مبنای اقتصاد اسلامی، تجارت خارجی را بر مبنای اقتصاد بازار، توزیع درآمد و تولید اشتغال را بر مبنای اقتصاد سوسیالیستی و قرار داده و انتظار داشته باشیم با حداقل هزینه یا حتی با هزینه بسیار بالا به هدف های خود برسیم.

دانشمندان علم اقتصاد به منظور پاسخ به پرسش های بالا گفته و در طی سده های گذشته و تاکنون به این امر پرداخته اند که نگارنده این نوشتار تنها در زمینه یکی از مکاتب اقتصادی اطلاعات ناچیز بیشتری دارد که آن هم در زمینه اقتصاد مبتنی بر بازار است.

در اقتصاد مبتنی بر بازار و برای دستیابی به هدف های علم اقتصاد (اختصاص بهینه منابع)، متغیرهای زیر تعریف شده اند:

(۱) اشتغال کامل، (۲) تغییر قیمت ها در حد مناسب، (۳) رشد اقتصادی، (۴) توزیع مناسب درآمد و ثروت، (۵) حفاظت از محیط زیست (حفظ منابع طبیعی بر پایه اصول توسعه پایدار)، (۶) انتقال فناوری (در کشورهای رو به پیشرفت)، (۷) توازن در تراز پرداخت ها و هدف های دیگر که بیشتر در زمینه سایر رشته های علوم انسانی هستند.

به منظور دستیابی به هدف های بالا سیاست های اقتصادی مناسبی می باید با توجه به عوامل زمان و مکان بکار گرفته شوند که سیاست های مالی و پولی از بارزترین آنها می باشند که در چهارچوب این دو می توان سیاست های ارزی، سرمایه گذاری، رشد و توسعه و غیره را نیز تعریف کرد که البته این سیاست های ثانویه یا "ریز سیاست ها" می باید انگشت شمار باشند. نکته قابل توجه در بکارگیری این سیاست ها برای دستیابی به هدف های بالا اطمینان از هماهنگی بین آنها است. برای نمونه، سیاست های اشتغالزایی می باید پیامدهای

**اقتصاد سرمایه داری نیز در دوران
اوج موجب انباشت سرمایه،
افزایش نابرابری در برخورداری از
درآمد و امکانات، افزایش سطح
فناوری، افزایش تولید، بهره
برداری بیشتر از منابع طبیعی و
دامن زدن به دو جنگ جهانی، و در
نهایت موجب شکل گیری یک
نظام اقتصادی شد که اقتصاد
مختلط نام گرفت و هم اکنون با
چالش هایی روبروست.**

تورم زایی را نیز در نظر داشته باشد یا اینکه سیاست تجاری می تواند بر سطح اشتغال موثر باشد و غیره.

آنچه در اتخاذ یک سیاست اقتصادی برای تاثیر گذاری بر یک متغیر اقتصادی با اهمیت است، این است که این سیاست خاص بر سیاست های دیگر تاثیر گذار بوده و بنابراین متغیرهای دیگر را نیز به درجات مختلف متاثر می سازد. به زبان دیگر، قوانین اقتصادی را می توان به قوانین فیزیکی در زمینه ظروف مرتبطه شبیه دانست.

آنچه در چند خط بالا بطور فشرده و ناکامل گفته شد خلاصه ای از نظام اقتصادی مبتنی بر بازار بود که ساختارهای اقتصادی

مربوط به آن نیز در کشور بر پا شده اند که می توان با استفاده از آنها نه تنها به هدف های اقتصادی پیش گفته دست یافت بلکه چنانچه به درستی و توسط کارشناسان کارکشته و کارداران بکار گرفته شود، ابزار مناسبی برای تنظیم بهینه روابط اقتصادی با کشورهای دیگر در جهان اقتصاد برای پیشینه کردن منافع ملی است.

نگارنده امیدوار است که این نوشته کمک هر چند ناچیزی به تصمیم سازی های اقتصادی کرده و معتقدان به سایر مکاتب اقتصادی یا آن را پذیرفته و در تکامل آن بکوشند، و یا اینکه نظریه های اقتصادی و ساختارهای مربوط دیگر مکاتب را به بحث بگذارند. چرا که به هر رو در یک کشور، نظام اقتصادی می باید مبتنی بر پشتوانه نظری واحد و دارای ساختارهای اقتصادی همخوان با آن بوده که در غیر این صورت "ملوک الطوائفی اقتصادی" جایگزین یکپارچگی اقتصادی خواهد شد.

زیر نویس ها:

(۱) چه تولید کنیم، چگونه تولید کنیم، و برای چه کسی تولید کنیم؟
(۲) بانک مرکزی، خزانه داری، سازمان مدیریت و برنامه ریزی، شورای پول و اعتبار،....

(۳) لازم به یاد آوریست که به رغم وجود دو نظام اقتصادی متفاوت در جهان در قرن بیستم میلادی (اقتصاد سوسیالیستی و اقتصاد مختلط مبتنی بر ساز و کار بازار)، موسسات اقتصادی / مالی بین المللی مورد حمایت غرب همچنان به فعالیت خود ادامه می دهند و کشورهای بلوک سیاسی شرق پیشین در تجارت خارجی و مبادلات بین المللی تابع مقررات این موسسات بودند.

(۴) منابع کمیاب همچون زمین، جنگل، آب، هوا. منابع زیرزمینی از جمله نفت و گاز و... و منابع "مردم ساخته" همچون دستگاه ها، ابزار، دانش انسانی همچون- فناوری، نیروی کاریدی و مبتنی بر اندیشه و در نهایت سرمایه و مدیریت.

*** دبیر پیشین و عضو انجمن
اقتصاددانان ایران**

